پژوهشنامه خراسان بزرگ

شماره ۴۵ زمستان ۱۴۰۰

No.45 Winter 2022

۱۷-۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۴

تجربه فضایی و ادراک حسی: بازخوانش فضا در معماری (نمونه موردی: مسجد گوهرشاد)*

➢ **پیام دادفر:** دانشجوی دکتری، گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین‌المللی کیش، ایران (payamdadfar@yahoo.com)

➢ **لیلی کریمی‌فرد:** استادیار، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب، ایران

➢ فریبرز دولت‌آبادی: استادیار، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب، ایران (F.dolatabadi@wtiau.ac.ir)

چکیده

انسان دارای ادراکات و تجربیات متمایزی در فضاهای گوناگون به‌واسطه حرکت و فعالیت است، اما در اغلب گفتمان‌های معماری، حرکت انسان در فضا و ادراکاتش از محیط پیرامون به لحاظ بصری، فیزیکی و ذهنی کمتر موردتوجه قرار گرفته است. حال هدف اصلی پژوهش حاضر، تبیین درک تجربه فضایی در مسجد گوهرشاد به‌واسطه عناصر مادی و حرکت در فضای این مسجد است تا بدین طریق بتوان کیفیت فضایی رخداده در این مسجد را در مساجد معاصر بازنمایی کرد. در این راستا، فرضیه مطرح در نیل به این هدف این است که میان تجربه فضایی و ادراکات حسی رابطه‌ای مستقیم برقرار است و عناصر مادی مسجد گوهرشاد موجب شکل‌گیری این رابطه می‌شوند. بنابراین پژوهش حاضر با استفاده از طرح پژوهش کیفی با رویکرد فلسفی، استدلال استقرائی و رویه کتابخانه‌ای و بازدیدهای میدانی به این نتیجه رسید که تجربه فضایی در این مسجد ضرورتاً چندحسی است و کالبد این مسجد به‌نحوی ساخته و پرداخته شده که حواس پنج‌گانه مخاطبان را درگیر خودش می‌نماید. همچنین تجربه فضایی از فضاي معماري داخلي و خارجي مسجد گوهرشاد اصولاً يك حادثه حسي مشمول حركت است. از این‌رو، گذر از محیط‌های این مسجد، تجربه‌های گوناگونی را به زائر القاء می‌نماید.

واژگان کلیدی: فضا، تجربه فضایی، ادراکات حسی، حرکت در فضا، مسجد گوهرشاد

Abstract

Man has different perceptions and experiences in different spaces due to movement and activity, but in most architectural discourses, human movement in space and his perceptions of the environment are less considered visually, physically and mentally. Therefore, in the present study, the research method of philosophical approach and inductive reasoning has been used with the aim of explaining the understanding of spatial experience in Timurid mosques through material elements and movement in space so that the spatial quality of mosques of this period can be represented in contemporary mosques. The hypothesis is that there is a direct relationship between spatial experience and sensory perceptions and the material elements of Timurid mosques form this relationship. The results of studies show that the spatial experience in Goharshad Mosque is multi-sensory and the body of this mosque is built in a way that engages the five senses of pilgrims. The visual sense is dynamic according to the material elements in the space and always seeks to explore in its dynamic nature, and every element and part of this mosque and even each of the spaces attracts the eyes of pilgrims to understand the hidden meaning. A large number of perceptions are simultaneously experienced with the presence and walking in the spaces of this mosque. Since the spatial experience of the architectural space of Goharshad Mosque is a sensory event subject to movement, passing through the environments of this mosque induces various experiences to the pilgrim. This is because the movement of pilgrims in the spaces of this mosque is done in the form of physical, imaginary and visual movement.

Keywords: space, spatial experience, sensory perceptions, spatial movment, Goharshad Mosque.

*مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «تبیین تجربه فضایی مساجد بر ترمیم روان» به راهنمایی و مشاور نویسنده دوم و سوم است.

نویسنده مسئول مکاتبات: لیلی کریمی‌فرد (Lkf@karimifard.org)

مقدمه

معماران در ساخت مساجد از اندیشه‌ها، باورها و اعتقادات خود استفاده نموده‌اند که حامل باورها و ذهنیاتشان بوده است و از همین رو مساجد با تأثیر از چارچوب اعتقادی، مذهبی و همسو با دستگاه فکری معماران به دنبال انتقال همان مفاهیم به مخاطبان و معنابخشی به محیط زندگی آن‌ها می‌باشد (مهدی‌نژاد، ۶۴:۱۳۹۷). این امر در معماری که تجلی‌گاه صور ذهنی در امر محسوس نیست، یکی از مهم‌ترین بسترهای ادراک و تجربه فضا از طریق بیان معانیِ نهفته در ظاهر آن است. به همین دلیل معماری مساجد واجد اهمیت شگرفی در طول تاریخ در نزد ایرانیان می‌باشد و در اندیشه و افکار آن‌ها دیرینه گشته است (دادفر و همکاران، ۲:۱۳۹۹). مساجد ایران یکی از مهم‌ترین بناهایی است که در طول تاریخ، ساخته شده و با توجه به اهمیت مقام معنوی خود و به لحاظ فضایی قدسی که تجلی باورهای عرفانی انسان‌ها است، همواره موردتوجه معماران بوده است (بهشتی، ۳۲:۱۳۸۹). حضور در مسجد می‌تواند در از بین بردن برخی مشکل‌ها، مانند احساس تنهایی، غم و اندوه، بسیار مؤثر باشد (علوی‌مهر، ۵:۱۳۹۳). تجربه فضایی نیز به‌واسطه همین حضور در مساجد شکل می‌گیرد و ویژگی خاص فضایی می‌باشد که چیزی متفاوت از واقعیت عینی و شهودی را به ذهن مخاطب القاء می‌نماید. بنابراین تجربه فضایی یکی از معانی فضاست که به‌تناسب با میزان ادراک مخاطبانش از فضای ادراک حسی، پدید می‌آید. حال در روند ادراک و ارزیابی معانی و خصوصاً معانی عرفانی بعضی از فضاها، عوامل بسیاری در نتیجهٔ قضاوت افراد مؤثر است، ازجمله: خصوصیات فیزیکی و عناصر مادی موجود در فضا، عملکرد فضا، شرایط روحی مخاطب فضا و انتظارات مخاطب فضا هنگام ورود و مواجهه با آن. از طرفی مهم‌ترین بنای دوران اسلامی، مساجد می‌باشند که همه‌روزه مسلمانان جهت دعا و راز و نیاز با ذات باری حق‌تعالی در آنجا به دورهم جمع می‌شوند. مساجد، دارای نشانه‌ها و معانی بسیاری می‌باشند که می‌بایست به‌واسطه مراتب عالیه ادراک فضا، از سمت زائران دریافت گردند. ادراکی که موجب دریافت حقیقت و معنای عرفان می‌شود؛ اما منتقل نمودن محسوسات به معقولات و مشهودات، از طریق ادراک ذهنی انجام می‌شود و بدین ترتیب زائر با حضور در فضای مسجد و حرکت نمودن در آن به تجربه گام‌به‌گام فضاها می‌پردازد و با معانی و نشانه‌ها ارتباط برقرار می‌سازد (دری و طلیسچی، ۱۹:۱۳۹۷). بنابراین، دریافت مفهوم فضا و تجربه فضایی در معماری مساجد، مسئله‌ای ضروری می‌باشد که حاصل مقابله ساحات ادراک و حرکت در فضا است. در راستای تشریح و تبیین چنین مسئله‌ای، پژوهش حاضر به تبیین درک تجربه فضایی در مسجد گوهرشاد به‌واسطه عناصر مادی و حرکت در فضای آن‌ها می‌پردازد تا بدین طریق بتواند کیفیت فضایی این مسجد را در مساجد معاصر بازنمایی کند. در این راستا این پژوهش بر این فرض استوار است که میان تجربه فضایی و ادراکات حسی رابطه‌ای مستقیم برقرار است و عناصر مادی در مسجد گوهرشاد موجب شکل‌گیری این رابطه می‌شوند. حال می‌توان سؤال نمود: ۱. چگونه تجربه فضایی در مسجد گوهرشاد بر ادراکات حسی زائران این مساجد تأثیر گذاشته است؟ ۲. مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تجربه فضایی و بهبود کیفیت محیطی در مسجد گوهرشاد کدم‌اند؟

پیشینه پژوهش

ازجمله عمده‌ترین پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون پژوهش حاضر می‌توان به مقاله سلطانی و همکاران با عنوان *بررسی تطبیق نقش الگو و مفاهیم مبتنی بر تجربه در فضای معماری اشاره نمود که* با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی دریافتند که دغدغه ایجاد کیفیت مطلوب در فضای معماری به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین اهداف معماران و پژوهشگران این عرصه، توجه آنان را به مفاهیم و شیوه‌هایی جلب کرده که اصل آن‌ها با اتکا بر تجربیات بشری و تسلسل هویتی دستاوردهای انسان با نسل‌های پیشین و پیش‌دانسته‌های انسان بنیان نهاده شده است. محمدی و فیروزی مجنده در مقاله‌ای با عنوان *تحلیل فضایی مسجد در شهر اردبیل در دوره معاصر* با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و فنون آماری دریافتند که الگوی پراکنش فضایی مساجد اردبیل از نوع خوشه‌ای است. همچنین رابطه معنی‌دار مثبتی بین توزیع فضایی مساجد با تراکم جمعیت و ارکان تاریخی شهر وجود دارد. نتیجه اینکه توزیع فضایی مساجد در سطح محلات شهر اردبیل به‌صورت ناهمگون

است. در پایان بر مبنای یافته‌ها، پیشنهادهایی برای توزیع متناسب و عادلانه مساجد ارائه شده است. گلستانی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان *جستاری در مفهوم پیوستگی فضا و روند تحولات آن در مساجد ایران* با استفاده از روش تحقیق استدلال منطقی دریافتند که پس از شکل‌گیری مساجد چهار ایوانی در قرن پنجم، مفهوم پیوستگی فضایی، به سه شکل اصلی که برای اولین‌بار در این پژوهش با نام «پیوستگی بصری»، «پیوستگی ساختاری» و «پیوستگی ساختاری-بصری» از آن‌ها یاد شده است، به‌طور مستمر و در روندی رو به رشد قابل رهگیری است. ضمن آنکه در دوران‌های بعد، معماران با پافشاری بر حفظ این الگو، تلاش می‌نمایند تا یکپارچگی و انسجام بیشتری میان فضاها برقرار نمایند. صیاد و همکاران در مقاله خودشان با عنوان *فضامندی و بدن آگاهی: بازخوانش مفهوم فضا در تجربهٔ معماری نمونهٔ موردی: موزهٔ هنرهای معاصر تهران*، با استفاده از روش تحقیق کیفی با رویکرد فلسفی پدیدارشناسی هرمنوتیک دریافتند که خوانش پدیداری از تجربهٔ ادراک از فضا به سه رستهٔ ادراک تام، درک پویا از فضا به‌واسطهٔ حواس، فضا، واسطه‌ای بر ادراک نوستالژی جمعی و فضا به‌مثابه امکان شهود و درک دیگری قابل‌تفکیک است. با بررسی پژوهش‌های پیشین مرتبط با پژوهش حاضر، کلیدواژه‌های مبانی نظری ازجمله (مفهوم فضا، خلق و کیفیت ادراک آن همراه با تجربه فضایی و ابعاد آن) استخراج گردید و همراه با این موارد مشخص شد که تاکنون پژوهشی در راستای بررسی مسجد گوهرشاد با توجه به تجربه فضایی ایجادشده در آن توسط زائران و ادراکات حسی آن‌ها در جهت بازخوانش فضا در معماری انجام نگرفته است و پژوهش حاضر یکی از نخستین پژوهش‌ها در این زمینه است.

مبانی نظری پژوهش

مفهوم فضا: یکی از نخستین مفاهیم در حوزه معماری «مفهوم فضا» است. فضا از دیدگاه ارسطو به مجموعه‌ای از مکان‌ها اطلاق می‌گردد و به‌مثابه ظرف کل اشیاء می‌باشد (ضرغامی و بهروز، ۱۳۹۳: ۸۹). تجلی کلمه فضا در معماری در اواخر قرن ۱۹ در آلمان آغاز گردید که به دنبال آن، دیدگاه‌های زیباشناختی بیان گردید و با اندیشه‌های گیدیون عرضه شد (بخارائی، ۱۱:۱۳۹۴). مضمون «فضا» به امري گفته می‌شود که کیفیت آن، تحت تأثیر دو عامل انساني که فضا را درك مي‌نمايد و كالبدي كه در فضا وجود دارد، باشد. معماران و اندیشمندان جهان معماری از گذشته تاکنون تعاریف متفاوتی درباره فضا مطرح نموده‌اند. در تعدادی از تعاریف بر نقش انسان در ادراک فضای پیرامون و در برخی دیگر بر نقش و اثرگذاری طراحیِ فضای پیرامون بر میزان ادراک انسان از محیط اطراف اشاره شده است. لیکن در بین صاحب‌نظران، تعریفی از فضا که دربرگیرندهٔ انسان و فضای اطرافش باشد دارای مقبولیت بیشتری نیز است. بدین معنا فضا از تعامل بین محیط و انسان و یا تعامل بین عینیت وجود و ذهنیت تشکیل شده است (صیاد و همکاران، ۷۴:۱۳۹۸). لذا در پژوهش حاضر این مفهوم از فضا مدنظر نگارندگان قرار دارد.

کیفیت فضای ادراک شونده: فضا به دو دسته «قائم‌به‌ذات و یکنواخت و تأثیر گرفته از عناصر درون خود»، مطابق با دیدگاه آرنهایم و دوران کلاسیک دسته‌بندی شده است (Merleau Ponty, 2004: 50)، به‌طور تام مفهوم ادراكيِ انسان، به معني انسان فطري متكي بر طبيعت و بدون داشتن نظريه نمی‌باشد. در حقیقت کمبود و یا عدم وجود نظریه‌پردازی از سمت خود انسان در رابطه با مفهوم فضا، هر چارچوب نظري را جهت تحليل ادراك انسان، به‌عنوان امر بیرونی و بلند شده از درک نوین نشان می‌دهد. همچنین می‌بایست خاطرنشان نمود که فضا در نخستین گفتار، مضمون ادراک آگاهانهٔ محیط و به دنبال آن شکل‌دهی آن محیط توسط انسان به‌صورت آگاهانه یا غیرآگاهانه را دارا می‌باشد. از این‌رو کوشش‌های انسانی که قبل از همه‌چیز مشروط به حضورِ در فضا است، فضای عمومی را از حالت کالبدی آغازین و خارج از انسان بیرون می‌کند و در عوض، انسان‌ها را نیز به‌واسطهٔ درگیر نمودن در فضا از طریق بسترهای ارتباطی از عکس‌العمل‌های عملکردی برون و به عاملِ فضایی بدل می‌نماید (Casey, 2012: 38).

الگوهای خلق فضای معماری: عوامل اجتماعی، معنایی و عملکردی از مهم‌ترین مؤلفه‌های شکل‌گیری معماری می‌باشند، لیکن جهت ارزیابی ارزش‌های معماری کفایت نمی‌کند، زیرا جوهره معماری فضا می‌باشد. نماهای چهار جهت یک حجم هرچقدر هم زیبا، تنها جعبه‌ای می‌باشد که

در درونش گوهر ارزشمند به نام «فضا» را برگرفته است. هر اثر معماری دارای یک جعبه می‌باشد که اصلی‌ترین محتوایش، فضای داخل آن جعبه است. لذا تا هنگامی‌که ارزش‌ها و جایگاه نظری «فضا» در معماری درک نشود، به این هنر همانند هنر مجسمه‌سازی نگریسته می‌شود. انسان‌ها باوجود زندگی در فضا، با آن رابطه‌ای مداوم از کنش‌های متقابل دارند: از آن تأثیر می‌پذیرند و به روی آن تأثیر می‌گذارند، با توجه به فضا تغییر می‌کنند و فضا را نیز تغییر می‌دهند. در آن فضا حرکت کرده و به آفرینش معنا می‌پردازند و از این‌رو عناصر موجود در فضا را به نشانه‌های معناداری بدل می‌نمایند (فکوهی، ۱۳۸۳: ۳۷). ازآنجایی‌که انسان به دنبال برقراری رابطه‌ای تعاملی با فضا است، این رابطه در تغییر و تحول فرهنگی به وجود می‌آید؛ در حقیقت فضا بستری فرهنگی-معنوی می‌باشد که موجب انتقال تمام ویژگی‌های یک فرهنگ می‌گردد. (Exner, 2009: 74). در حیطه معماری، عناصر به وجود آورنده فضا، به دسته عناصر مادی و محیطی تقسیم می‌شوند (سوهانگیر و نصیرسلامی، ۶۶:۱۳۹۳).

تجربه فضایی: تجربه در آکسفورد به این مفهوم آمده است: آگاهانه، موضوع یک وضعیت یا شرایط بودن یا تحت تأثیر قرار گرفتن آگاهانه از یک رویداد. طبق گزارش هوچ (۲۰۰۲) تجربه، عمل زیستن از طریق مشاهده رویدادها است و همچنین به آموزش و دانش و مهارت‌های بعدی به‌دست‌آمده اشاره دارد. در این میان به نظر می‌رسد که مفهوم رویداد در این تعاریف، (در تمام این تعاریف تجربه) با تجربه در ارتباط تنگاتنگی است. نظریه‌پرداز، معمار و مربی مشهور برنارد تسومی دیدگاه جالبی درباره معماری و تجربیات فضایی دارد. او معتقد است «هیچ معماری بدون رویداد وجود ندارد». برناردتسوومی با توجه به نتیجه‌گیری از روش نمودار آیزنشتاین، مؤلفه‌هایی که یک تجربه فضایی از آن ساخته شده منجمله فضا، رویداد و فعالیت را موردبحث قرار می‌دهد و بیان می‌دارد که تجربه فضایی نه‌تنها در مورد فضا، شکل و عملکرد است؛ بلکه رویداد و فعالیت را نیز شامل می‌شود (Tschumi, 2012: 63). دیوید لتربارو در ۲۰۰۵م بیان می‌دارد که وقتی کیفیت غیرمنتظره یک تجربه را درک می‌کنیم، آن را یک رویداد می‌نامیم. ضمن آنکه وی توضیح می‌دهد که ما تجربیاتی را که به‌صورت غیرقابل‌پیش‌بینی اتفاق افتاده است را رویداد می‌نامیم و حوادث واقعی همیشه بیش از آن چیزی است که از آن‌ها انتظار داشتیم. بنابراین می‌توان رویداد را مطابق با بیان برنارد تسومی و لدربارو برابر با تجربه‌ای باکیفیت غیرمنتظره دانست، کیفیتی که با سه مؤلفه مردم، زمینه و فعالیت ارتباط دارد. اندرسون نیز معتقد است که «هرچه پیوند بین افراد، زمینه و فعالیتی که می‌توان ایجاد کرد، قوی‌تر باشد، کیفیت تجربه‌ای که می‌توان از فضا گرفت، افزایش می‌یابد» (Anderson, 2001: 42). از این‌رو مقایسه بحث‌های اندرسون و استدلال برنارد تسوومی مطابق با بحث‌های لیدربارو در مورد تجربیات فضایی، مفهوم رویداد و ارتباط آن باکیفیت غیرمنتظره از تجربه، دارای وجه تشابه است، به‌گونه‌ای که مؤلفه‌های اساسی اندرسون، مؤلفه‌هایی است که تسوومی در ایجاد تجربه فضایی از آن استفاده نموده است و در این میان فعالیت مؤثرترین مؤلفه اساسی است. با توجه به مطالب مطرح‌شده در درک تجربه فضایی، افراد، زمینه و فعالیت به‌عنوان مؤلفه‌های اساسی در محیط ساخته شده در نظر گرفته می‌شوند و سپس یک تجربه فضایی تعریف می‌شود که افراد را در یک فعالیت خاص در یک زمینه درگیر می‌کند و ارتقاء کیفیت تجربه فضایی به سطحی غیرقابل‌انتظار به پیوندهای قوی‌تری بین افراد، زمینه و فعالیت می‌پردازد (Tschumi, 2012: 66).

ابعاد تجربه فضایی: ابعاد تجربه فضایی اگرچه تجربیات فضایی را افزایش نمی‌دهد، اما ممکن است در معماری و تجربیات فضایی کاربرد داشته باشند (Shedroff, 2009: 101). از این‌رو این ابعاد به شش گروه تقسیم می‌شوند: بعد اول یک تجربه که مدت‌زمان می‌باشد، دارای چهار مرحله مواجهه، غوطه‌وری، نتیجه‌گیری و ادامه می‌باشد (Diller etal, 2005: 39). بعد دوم محرک اصطلاحی است که برای توصیف احساسات، تصاویر یا تجربیاتی که باعث ایجاد یک حافظه آسیب‌زا می‌شوند، به کار می‌رود. محرک چیزی است که باعث می‌شود فرد به سمت آسیب‌دیدگی بازگردد و چیزی را ایجاد می‌کند که باعث می‌شود کسی احساس ناراحتی و وحشت کند، زیرا ساخته شده است تا رویداد تلخی را که در گذشته اتفاق افتاده است به خاطر آورد

(فرهوشی، ۸۳:۱۳۸۰). بعد سوم، وسعت، به معنای راه‌های مختلف ارائه تجربه است که رابطه نزدیکی با خدمات (سرویس)، ورودی خروجی (کانال)، امنیت/ ایمنی و دسترسی دارد (Weinschenk, 2011: 41). اهمیت، چهارمین بعد از یک تجربه است که به هویت، کارکرد و معنی در یک محیط ساخته شده، اشاره دارد. در پنجم تجربه تعامل، در انواع مختلف یعنی منفعل، فعال و تعاملی است (Nodder, 2013: 5). آخرین بعد از یک تجربه، شدت است. در طراحی، شدت، اندازه‌گیری ارتباطی است که مخاطب با آن تجربه دارد و کلماتی ازجمله: رفلکس، تعامل و مشارکت، ترغیب و اجبار به معنی شدت در نظر گرفته شده است (Shedroff, 2009: 101).

روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت پژوهش، از گونهٔ تحقیقات کیفی با رویکرد فلسفی و به لحاظ قصد از پژوهش، تفسیری است. بنابراین نتایج آن، خالص و منطق پژوهش استدلال استقرایی است. در مرحلة تدوین مبانی نظری تحقیق جمع‌آوری اطلاعات و آراء نظریه‌پردازان، به اتکای متون و اسناد کتابخانه‌ای، صورت گرفته است. فرایند پژوهش شامل ظهور پرسش‌ها است. داده‌ها به شکل معمول در روندی مشارکتی همراه با مشارکت‌کنندگان در پژوهش گردآوری‌شده و به شکل استدلال استقرائی تأویل می‌شوند و پژوهشگر به تفسیر معانی موجود در آن‌ها می‌پردازد. ازآنجاکه پژوهش حاضر، به حوزهٔ ادراک مربوط است، ترجیح داده شد تا از مصاحبهٔ عمیق جهت استنباط و استخراج «ناخودآگاه» از بطن پاسخ مصاحبه‌شوندگان استفاده شود. بدین ترتیب، مصاحبه به گونهٔ نیمه ساخت‌یافته انجام شد. مصاحبهٔ نیمه ساخت‌یافته یا تا حدی برنامه‌ریزی‌شدهٔ مصاحبه‌ای است که نه به‌اندازهٔ مصاحبهٔ ساخت‌یافته دارای پژوهش‌های از پیش معین و دارای متن‌های بسته است و نه به‌اندازهٔ مصاحبه‌های ساخت نیافته آزاد است. مصاحبه‌گر پرسش‌ها و موضوعاتی را که در پی بررسی آن‌ها است به‌دقت یادداشت می‌کند، اما در طرح آن‌ها به‌گونه‌ای عمل نمی‌کند که پرسش‌شونده را به‌سوی پاسخی خودخواسته هدایت کند. برای دستیابی به پاسخ سؤال‌های پژوهش حاضر، ۳۰ نفر از زائران مسجد گوهرشاد به‌عنوان نمونه‌های پژوهش جهت مصاحبه انتخاب شدند. سپس، مصاحبه‌ها انجام شد و مورد تحلیل محتوای کیفی قرار گرفت. بدین گونه که یادداشت‌گذاری در کنارهٔ متن‌های از پیش تهیه‌شده جهت روشن کردن عبارت‌های کلیدی صورت گرفت تا محتوای کلیت داده به شکل خلاصه درآید و در ادامه به فهرست کردن مفاهیم استخراج‌شده و دسته‌بندی آن‌ها بر اساس مشاهدات، مفاهیم و ادراکات فضایی توسط زائران پرداخته شد. نمودار ۱ ساختار پژوهش را نشان می‌دهد.



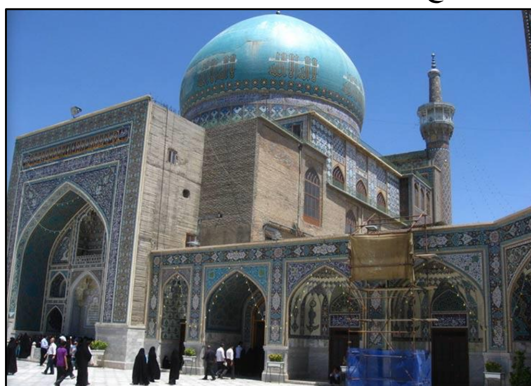
نمودار ۱: ساختار کلی پژوهش (مأخذ: نگارندگان)

معرفی و بررسی نمونهٔ موردی

این پژوهش تلاش می‌نماید تا بر طبق برداشت‌های ذهنی، تفاسیر و تعاریف صاحب‌نظران از مفهوم ادراک و تجربه فضایی، به بازنمایی این مفهوم، به‌مثابه منبع الهامی برای بازتعریف مفهوم معماری در تجربهٔ فضایی بپردازد. بدین منظور مسجد گوهرشاد شهر مشهد به‌عنوان نمونهٔ موردی در این پژوهش انتخاب شده است و برای تحلیل یافته‌ها از شیوهٔ تحلیل مضمونی مرسوم استفاده شده است.

مسجد گوهرشاد

مسجد گوهرشاد وسيع‌ترين مسجد موجود در مجموعه بناهاي آستان قدس رضوي و صحن آن با ۲۸۵۰ مترمربع مساحت از نظر قدمت، کهن‌ترين صحن حرم است (تصوير ۱). از همين رو يکي از مهم‌ترين آثار فرهنگي-باستاني مشهد به شمار مي‌آيد که زائران و مجاوران به آن سخت علاقه‌مند هستند و براي باستان شناسان، جهانگردان و ديگر علاقمندان درخور توجه است. اين مسجد از نظر استحکام بنا، خصايص معماري اسلامي، وحدت در طراحي، خط، کاشی‌کاری‌های معرّق، غير معرّق، مقرنس، گچ کاری و ديگر تزيينات هنري ممتاز است. بنايي که با گذشت ۶۰۰ سال همچنان مستحکم و ماندگار، معماري و هنر اسلامي در عهد تيموري را به نمايش مي‌گذارد. مسجد جامع گوهرشاد داراي چهار ايوان است که «ايوان مقصوره» آن شاخص مسجد، چه از جهت اجراي سازه‌اي و چه ازنقطه‌نظر نماسازي است. بناي مسجد به شکل مرتفع است و ايوان‌ها با اختلاف سطح و رفعت، سبب شيوايي اجرايي آن گرديده‌اند. نکته تأمل‌برانگيز در مسجد گوهرشاد مجاورتش با حرم امام رضا علیه اسلام می‌باشد که آن را به بخشی از مکان قدسی بدل نموده است (فغفوری و بلخاری‌قهی، ۶:۱۳۹۴).



تصویر ۱: مسجد گوهرشاد (URL1)

فضامندی در مسجد گوهرشاد از دید مصاحبه‌شوندگان

تجربهٔ بیان گشته زائران و صاحب‌نظران، از طریق «تجربه فضایی» مطرح می‌گردد. اصلی که در اینجا ضروری و نیازمند توجه می‌باشد، ادراک معماری و باز زنده سازی آن نه به‌عنوان کالبدی بدون روح از مصالح، بلکه به‌عنوان زمینه‌ای جهت به وجود آمدن برهمکنش و آسان نمودن ادراک انسانی از فضایی که مطابق اختیار خودش و یا بالاجبار در تجربهٔ آن دخیل می‌گردد. معماری بدون انسان و بدون ادراک و فهم انسان از آن، جز فضایی اشغال گشته در مرزهایش چیز دیگری نمی‌تواند باشد. از این‌رو کنکاش نگارندگان در فهم، تجربه و ادراک فضا، در قالب واژگان و جملاتی عرضه می‌شود که از دل پاسخ کنشگران و مصاحبه‌شوندگان بیرون کشیده شده است. آنچه برای هر پژوهشی با ماهیت کیفی مهم است، فهم پدیده از کلام و رفتار تجربه کنندگانی است که در تجربه‌ای بی‌واسطه با پدیده به سر می‌برند و ادراک خود را از این تجربه با محقق در میان می‌گذارند. مخاطب وارد فضا می‌شود، آن را تجربه نموده و تجربهٔ خویش را به معنا بدل می‌سازد. در این میان باید توجه داشت که تجربهٔ زیستهٔ به سخن درآمدهٔ مصاحبه‌شوندگان، بیش از آنکه نشان‌دهندهٔ چگونگی ادراک آن‌ها از فضایی باشد که با آن در ارتباط‌اند، می‌تواند نشان‌دهندهٔ رگه‌هایی کلی از حیات اجتماعی آن‌ها باشد. چراکه انسان‌ها نه خالی از هرگونه پیشینه‌ای از ادراک و پیش‌فرض، بلکه با کوله‌باری از تجربهٔ زیستهٔ اجتماعی و تحت تأثیر نیروهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، به چنین اماکنی پای می‌گذارند و تمام این مؤلفه‌های زیسته در چگونگی و کیفیت فضامندی و تجربه فضایی همراه با ادراک فضا تأثیرگذار است. حال ازآنجایی‌که ادراک و تجربه فضایی محیط به‌واسطه انسان، از دو بخش ذهنی- درونی و فیزیکی- بیرونی تشکیل شده است، در این پژوهش تجربه فضایی به‌واسطه ادراک فیزیکی انسان با توجه بدن متحرک (تحت تأثیر اطلاعات فیزیکی)، بدن حسی (تحت تأثیر حواس پنج‌گانهٔ انسان)، بدن شخصی (تحت تأثیر تجربیات فردی) و بدن اجتماعی (تحت تأثیر ارزش‌های معنوی و فرهنگی و اجتماعی) انجام گرفته است. فرآیند ادراک در مسجد

گوهرشاد و چگونگی به وقوع پیوستن تجربه فضایی در زائران این مسجد، در درجه اول تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل معنوی، تاریخی و اجتماعی است. از این‌رو پروسهٔ ادراک، فرایندی تاریخی، پویا و وابسته به تجربهٔ زیسته می‌باشد که همواره در حال دگرگونی در فضاهای این مسجد است. حال آن چیزی که به نام کالبد و نقش آن در چگونگی ادراک و تجربه نقش اصلی را دارد، ناظر بر این اصل اساسی است که اصولاً همین واسطه نیز پدیده‌ای معنوی است که در محیط مسجد گوهرشاد و به‌نوعی از طریق همجواری با حرم امام رضا(ع) و اصوات قرآنی همراه با متون آیات قرآنی نوشته‌شده در کتیبه‌ها نمود پیدا کرده است.

جدول ۱: تبیین فضاهای مسجد گوهرشاد در راستای بهبود شناخت تجربه فضایی (مأخذ: نگارندگان)

ردیف	فضا	مشخصات معماری
۱	صحن	مسجد دارای صحنی بزرگ با ابعاد ۵۰×۵۵ متر است که در هر چهار طرف، دارای چهار ایوان و طاقگان‌ها یا غرفه‌هایی است که در دو طبقه محدود گشته‌اند.
۲	ایوان مقصوره	ایوان مقصوره، وسیع‌ترین ایوان مسجد گوهرشاد شهر مشهد می‌باشد. گنبد و محراب بر این ایوان واقع گشته‌اند. ایوان مقصوره دارای ۳۷ متر طول است و دهانه آن نیز ۱۳ متر و ارتفاع آن ۲۹ متر می‌باشد. تاریخ بنای این ایوان سال ۸۲۰ ق است.
۳	ایوان حاجی حسن	ایوان حاجی حسن، ایوان جنوب شرقی است. این ایوان به صحن موزه متصل می‌باشد. ارتفاع این ایوان ۲۰ متر و عرض آن ۱۷ متر است.
۴	ایوان آب	این ایوان، به ایوان شمال غربی معروف می‌باشد و به بست شیخ بهایی، صحن جمهوری اسلامی و رواق دارالولایه ارتباط دارد.
۵	ایوان دارالسیاده	این ایوان که ایوان شمال شرقی نامیده می‌شود، دارای کمترین عمق ایوان در این مسجد است و ابعاد آن ۲۱/۵×۲۲ متر می‌باشد.
۶	شبستان‌ها	در سه طرف مسجد گوهرشاد، شبستان‌های نهاوندی، گلپایگانی یا میلانی، نجف‌آبادی، سرابی، شبستان گرم و شیخ غلامحسین واقع‌شده‌اند.

یافته‌های پژوهش

مسجد گوهرشاد درجایی بنا شده است که پایداری ساختارهای طبیعی و برآیند نیروهای کیهانی در آن، عالم صغیری را مهیا می‌نماید و از این‌رو بعد زمان را کاهش می‌دهد. ضمن آنکه مسجد گوهرشاد با قرار گرفتن در کانون عرفانی، همه‌چیز (عناصر مادی و غیرمادی) را حول محور خود (قبله) سازماندهی می‌نماید؛ لذا در شکل‌گیری مسجد گوهرشاد، هندسه محیطی نسبت به جهت قبله دارای اهمیت کمتری است. بنابراین قبله در این مسجد نقش مهمی را دارا است. از این‌رو، با حضور در این مسجد و قرارگیری در حول محور قبله، مفهوم سرمدیت و ازلیت تشدید می‌گردد.

در مسجد گوهرشاد زائر هنگام گذر از صحن که خالی بودنش از گیاهان، پیوند میان معرفت و عبادت را با فهم کیهانی بهبود می‌بخشد، به داخل ایوان‌ها و سپس شبستانِ‌های این مسجد، ادراکات حسی (بینایی و شنوایی) بیشتر شده و در محیط داخلی شبستان به دلیل ارتفاع‌گرایی، گذر از روشنایی به تاریکی حس عرفان (سیر به عالم سلوک) به آخرین حد اعلای خود می‌رسد. از سوی دیگر ادراک مادی یا کالبدی در این مسجد تحت تأثیر ویژگی‌های بستر طرح، توانسته است میان خودآگاه انسان و ناخودآگاه او ارتباط نامحسوس ایجاد نماید، به‌طوری‌که انسان خصوصیات محیط را از طریق عناصر مادی دریافت و ادراک می‌کند و با بهره‌گیری از فرایندهای ذهنی از قبیل اعتقادات، ارزش‌های معنوی و فرهنگی، حواس پنج‌گانه، حافظه و تصویرسازی آن‌ها را درک می‌کند. بدین ترتیب فرایندهای ذهنی در محیط مسجد گوهرشاد، سبب افزایش تعاملات معنادار بین انسان و محیط می‌شوند که پیرو آن ادراک مفهوم محیط با توجه به حرکت بدن انسان در فضا صورت می‌گیرد. بنابراین حضور زائر در فضای مسجد نمایانگر ساختار کالبدی فضا همراه باکیفیتی متعادل از الگوها و نشانه‌های معنادار تجربه فضایی در راستای سیر به عالم سلوک و ایجاد حس آرامش

در زائر است. ساختار تناسبات کالبدی در فضاهای داخلی مسجد گوهرشاد به‌استثناء فضای گنبدخانه، محیطی انسانی و متواضع ایجاد نموده‌اند. در این فضاها انسان به‌واسطه حضور و قدم زدن در فضا به تجربه فضایی این مسجد حول کالبد و عناصر مادی‌اش می‌پردازد، زیرا انسان جهان را با ساختمان و وجود کالبدی‌اش درک می‌کند و از این‌رو جهان تجربی حول کالبد سازماندهی و تعریف می‌شود و معنا پیدا می‌کند. درواقع جهان تجربی انسان‌ها، واجد دو کانون همزمان کالبد فضای اطراف و ذهنیات انسان است. درحالی‌که تناسبات کالبدی در محیط و فضاهای بیرونی مسجد گوهرشاد ازجمله هشت ورودی کوچک و بزرگ این مسجد همراه با فضای شبستان‌ها، محیطی غیرمادی و سلوکی را ایجاد نموده است تا زائر در بدو ورود و تجربه فضاهای بیرونی این مسجد بتواند با رویدادهایی که توسط تناسبات کالبدی در جای‌جای محیط بیرونی رخ داده است، ارتباط برقرار سازد و به‌نوعی ادراکات حسی‌اش از طریق حضور در فضا و تجربه آن برانگیخته شود.

عامل دیگری که در احساس و ادراک زائران از طریق تجربه فضایی در مسجد گوهرشاد نقش مهمی دارد، رنگ است. در مسجد گوهرشاد رنگ‌ها چنان قدرتمندانه و درعین‌حال با ظرافت به کار گرفته‌شده‌اند که حتي ساختار هندسي مسجد را تحت تأثیر خود درآورده‌اند. در این مسجد هنرمند با به کار بستن رنگ در هندسه مسجد، به‌نوعی معنویت را قوام بخشیده است. به‌عنوان‌مثال این‌روند را می‌توان در ترکیب خردمندانه و هنرمندانه کاشی‌کاری با رنگ آبی فیروزه‌ای و آجر در مناره‌ها و گنبد (تصویر ۲) مشاهده نمود که بدین‌وسیله در مسجد گوهرشاد، تمثیلی شاعرانه از پیوند آسمان و زمین رقم خورده است و بیانگر اتصال روح زائر به عالم عرفان و سلوک می‌باشد و توانسته است از خاک به افلاک نائل شود. همچنین رنگ‌هاي این مسجد (قرمز و زرد، سبز و آبی به ترتیب با آتش، هوا، آب و زمین یعنی چهارعنصر اصلی آفرینش قرین می‌گردد که دوتای نخستین حالتی فعال و دوتای دیگر حالت انفعالی دارند)، انطباق با اصل آفرینش دارند و از این‌رو به‌خوبی توانسته‌اند با آمیزش و مجاورت کنار یکدیگر منجر به آفرینش معانی عرفانی برای زائر شوند. بر این اساس لازم به ذکر است که معمارِ مسجد گوهرشاد همواره به اصل اساسي درخشش توجه فراواني داشته است: به‌عنوان‌مثال گاه به سراغ رنگ سیاه نیز رفته؛ اما این خود تدبیري براي هرچه بهتر نمایاندن رنگ‌های روشن بوده است. القاي پاکيِ رنگ سفید و آرامشِ آبي بیش از پیش به خلوت عبادي زائر کمك مي‌کند و رنگ سبز هم که در عرفان، نماد رستاخیز و ایمان است در نقاطي چند در کاشي‌ها و در مجاورت سایر رنگ‌هاي دیگر به‌کاررفته است. بنابراین زائر با حضور در فضاهای گوناگون این مسجد و مشاهده ترکیبات رنگی به‌کاررفته به‌نوعی ادراک حسی-عرفانی دست پیدا می‌کند.



تصویر ۲: مناره‌های مسجد گوهرشاد (URL2)

در مسجد گوهرشاد به‌واسطه حضور عناصر مادی می‌توان اذعان نمود که هیچ‌کدام از این عناصر نسبت به یکدیگر برتری ندارند و جملگی در کنار هم توانسته‌اند عالمی آرامش‌بخش را برای زائر فراهم نمایند تا بدین طریق زائر هنگام ورود به این مسجد در نخستین گام حضور در فضا، آماده سفر معنوی شود. لازم به ذکر است که معماران مسجد گوهرشاد در چشم‌انداز ابدیشان از زمان، موقعیتی را برای ساخت اتخاذ نموده‌اند که مکانیت جاودانگی را به ذهن متبادر سازد.

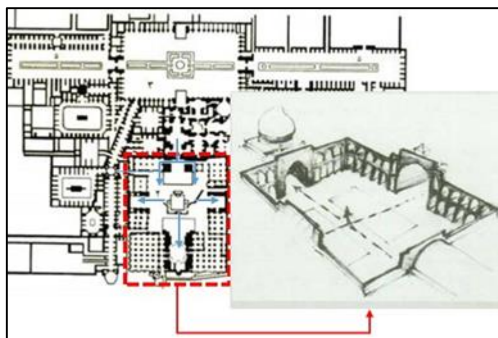
تجربه و ادراک در مسجد گوهرشاد

تجربه در این مسجد ضرورتاً چند حسی است. کالبد این مسجد به نحوی ساخته و پرداخته شده که حواس پنج‌گانه زائران را درگیر خودش می‌نماید. حس بصری در مسجد گوهرشاد با توجه به عناصر مادی موجود در فضا پویا است و همواره در ذات پویای خود به دنبال اکتشاف است و هر عنصر و جزئی از این مسجد و حتی هر یک از فضاها، چشمان زائران را جهت درک مفهوم نهفته در خود، به خود

جذب می‌نمایند. انبوه دریافت‌های همزمان با حضور و قدم زدن در فضای این مسجد به‌مثابه هستی است که با محیط تجربه می‌گردد. در فضاهای کوچک و جزئی مانند شبستان‌ها و ایوان‌ها که دارای کیفیت‌های مختلفی از ادراک هستند و از طریق حواس پنج‌گانه قابل‌درک می‌باشند نیز این ویژگی‌ها دریافت امر تجربه فضایی را غنی‌تر می‌کند. حال ازآنجایی‌که تجربه فضایی از فضاي معماري داخلي و خارجي مسجد گوهرشاد اصولاً يك حادثه حسي مشمول حركت است، از این‌رو گذر از محیط‌های این مسجد، تجربه‌های گوناگونی را به زائر القاء می‌نماید. لذا در راستای تجلی مفهوم حرکت و ادراک فضا به‌واسطه آن در این مسجد هندسه کشيده و طولي بارز در راستاي قبله و توالي ايوان‌هاي بلند در اين راستا باعث پويايي مسجد شده كه ناظر را وادار به انجام حركت فيزيكي و قدم زدن در اين راستا مي‌نمايد و زائر در حين حركت در فضاي مسجد مؤلفه‌هاي پويايي حركت فيزيكي را تبديل به حركت بصري مي‌كند. اين حركت بصري ابتداي به ساكن از طريق تضاد شديد نور و سايه بين ورودي، صحن و فضاي شبستان باعث تحريك قوه باصره شده و با حركت به سمت محراب گچبری شده (تصویر ۳)، كاربندي بالاي آن و درك سطوح ظريف برآمده و فرورفته، باعث مي‌شود كه چشم زائر دنباله نقش‌ها را از یک‌گوشه گرفته تا به دركي از كليات طرح برسد و لذت بصري را تجربه كند. نقطه اوج يك حركت بصري زماني است كه زيبایی کاشی‌کاری‌ها چشم زائر را به خود جذب می‌نماید. در حرکت بصري زائر لحظه‌ای شروع به شناسايي و ديدن نشانه‌هايي مي‌كند كه حركت در عالم خيال را براي او ميسر نمايد. اولين دسته نشانه‌هاي ظاهري مي‌باشند كه كتيبه نوشته‌ها در جای‌جای این مسجد از آن جمله هستند که سبب حرکت به سمت عرفان و حق باری‌تعالی می‌گردند. دومين دسته نشانه‌هايي هستند كه نه‌تنها در نقش پوشاننده عملكردي بوده بلكه با تبديل پلان به سقف حركت از زمين به آسمان و عالم بالا را تداعي مي‌كند (درآیگاه، مناره، گنبد) و اما سومين دسته، نشانه‌هاي معنايي هستند كه درگاه با اختلاف سطح نسبت به صحن به یادآورنده معاني عميقي مي‌باشند كه مرحله آغاز سفر معنوي و كنده شدن از عالم بيرون و راهي شدن به سمت عالم بالا را القا مي‌كند و در اولين گام بيانگر خضوع و افتادگی هستند (ورودی به فضای شبستان‌ها با اختلاف سطح). حرکت خیالی در مسجد گوهرشاد از طريق نقش واسطه‌گري درآيگاه ورودي در انتقال زائر از آشفتگی و شلوغی زندگي دنیوی روزمره در بيرون، به فضاي خلوت و تمرکز درون قابل‌توجه است. سهولت این حرکت با تناسبات و تزئینات دعوت‌کننده درآیگاه ایجاد گشته است (تصویر ۴). از ديگر سو تناوب و توالي قوس‌هاي سازه‌اي در داخل شبستان‌ها چشمان زائران را آرام‌آرام به سمت آسمان و عالم سلوک رهنمون می‌سازد تا بدين طريق از دنيا و تعلقات مرتبط با آن دل كنده و به عالم حق باری‌تعالی توجه كنند. محراب كه خود نشان‌دهنده حركت و دعوت به‌سوی خداوند تعالی و متصل شدن به او مي‌باشد نيز حتي در تزيينات نقش‌هاي گچبری شده‌اش، نمايه حركت كمال‌گرايانه انسان به‌سوی خداوند متعال است (جدول ۲).



تصویر ۳: تصویر سمت راست محراب مسجد گوهرشاد (URL2)



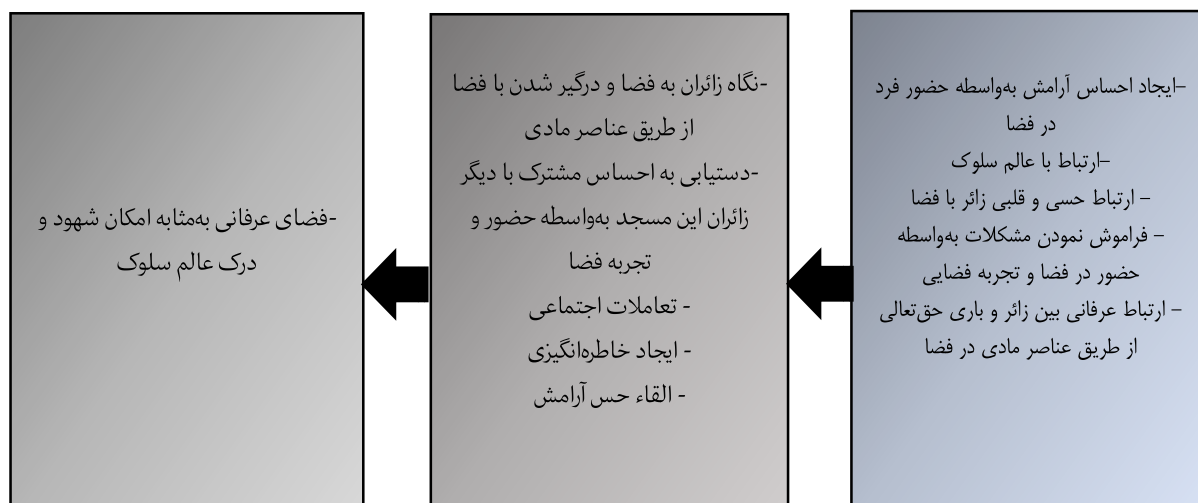
تصویر ۴: تصویر سمت چپ حرکت در مسجد گوهرشاد (مأخذ: نگارندگان)

جدول ۲: بررسی مراتب تجربه فضایی مسجد گوهرشاد به‌واسطه حرکت فیزیکی، بصری و پویایی (مأخذ: نگارندگان)

مراتب تجربه فضایی به‌واسطه حضور در فضا و سیر حرکتی در آن	حرکت فیزیکی	حرکت خیالی	حرکت بصری	حرکت خیالی مرتبهٔ عرفانی
	در حین حرکت در فضاي مسجد مؤلفه‌هاي پويايي حرکت فيزيکي ناظر را تبديل به حرکت بصري مي‌کنند.			
	تضاد نور و سایه	کاشی‌کاری	تزئینات	روح انسان‌ها در فضاي خاصي هيچ‌گونه توجهي به بدن ندارد و خيالاتي را در ذهن متبادر مي‌نمايد.
	شناسايي و ديدن نشانه‌هايي که حرکت در عالم خيال را براي زائر ممکن مي‌سازد.			
	راه رفتن در ميان عناصر بصري و خيال در ذهن هم براي معمار و هم براي ناظر اثر.			تجربه فضایی به‌واسطه وصل، گذر و اوج

شرح داده‌ها	دسته‌بندی‌ها	تجربه فضایی و ادراکات





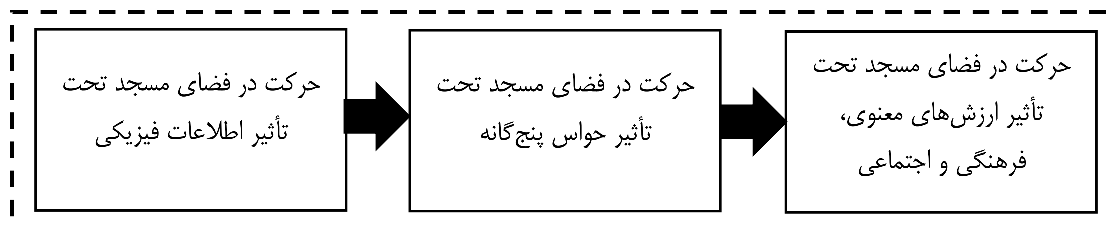
نتیجه‌گیری

امروز دغدغهٔ معماران متعهد در فضای معماری ایران، خلق فضایی است که برای مخاطبان حسی از بیگانگی نداشته باشد. در راستای رفع این دغدغهٔ اصیل باید توجه داشت این امر ممکن نخواهد شد مگر به کمک پرورش تجربه فضایی هر مکان متکی بر ادراکات حسی دریافته از محیط‌های انسانیِ آشنا که مراتب وجودی ما را تام و تمام در برگیرند و حرکت در فضا. حال از اصلی‌ترین این محیط‌ها مساجد هستند که به‌طور تام توسط عناصر مادی خود، توانسته‌اند این حس را به زائران القاء نمایند. تجربه فضایی در مسجد گوهرشاد با توجه به عناصر مادی، نمادها و حضور انسان در این فضا، فراتر از تجسم امر مادی است و از طریق حرکت در فضا و فعالیت همراه با ادراکات حسی به وقوع می‌پیوندد. از این‌رو، فرآیند ادراک در مسجد گوهرشاد و نوع رخداد تجربه فضایی، تحت‌تأثیر عوامل معنوی، تاریخی، اجتماعی و به‌صورت ادراک فیزیکی، مادی و ذهنی است. حال ادراکات مادی در این مسجد تحت‌تأثیر ویژگی‌های بستر طرح، توانسته‌اند میان خودآگاه و ناخودآگاه انسان ارتباط نامحسوس ایجاد نماید، به‌طوری‌که انسان خصوصیات محیط را از طریق عناصر مادی دریافت می‌نماید و با بهره‌گیری از فرایندهای ذهنی و حواس پنج‌گانه آن‌ها را درک می‌کند. بدین ترتیب فرایندهای ذهنی در محیط مسجد گوهرشاد، سبب افزایش تعاملات معنادار بین انسان و محیط می‌شوند که پیرو آن ادراک مفهوم محیط با توجه به حرکت بدن انسان در فضا صورت می‌گیرد. لذا حضور زائر در فضای مسجد نمایانگر ساختار کالبدی فضا همراه باکیفیتی متعادل از الگوها و نشانه‌های معنادار تجربه فضایی در راستای سیر به عالم است.

بنابراین در یک جمع‌بندی کلی می‌توان اذعان نمود که سلسله‌مراتب فضایی در مسجد گوهرشاد، عدم تنوع مصالح در فضای داخلی این مسجد و مواجهه انسان از ورودی تا صحن و سپس از ایوان تا شبستان مبتنی بر دیدگاه تجربه فضایی است که منجر به بهبود ادراکات حسی-محیطی زائران از مسجد و فضامندی آن شده است. ضمن آنکه با توجه به نوع فضاها و حرکت زائر در فضای مسجد گوهرشاد می‌بایست بیان نمود که تجربه فضایی در این مسجد ضرورتاً چند حسی است و کالبد این مسجد به نحوی ساخته و پرداخته شده که حواس پنج‌گانه زائران را درگیر خودش می‌نماید. حس بصری در مسجد گوهرشاد با توجه به عناصر مادی موجود در فضا پویا است و همواره در ذات پویای خود به دنبال اکتشاف است و هر عنصر و جزئی از این مسجد و حتی هر یک از فضاها، چشمان زائران را جهت درک مفهوم نهفته در خود، به خود جذب می‌نمایند. انبوه دریافت‌های همزمان با حضور و قدم زدن در فضای این

مسجد تجربه می‌گردد. ضمناً در فضاهای کوچک و جزئی مانند شبستان‌ها و ایوان‌ها که دارای کیفیت‌های مختلفی از ادراک هستند و از طریق حواس پنج‌گانه قابل‌درک می‌باشند نیز این ویژگی‌ها دریافت امر تجربه فضایی را غنی‌تر می‌کند.

حال ازآنجایی‌که تجربه فضایی از فضاي معماري داخلي و خارجي مسجد گوهرشاد اصولاً يك حادثه حسي مشمول حركت است. از این‌رو، گذر از محیط‌های این مسجد، تجربه‌های گوناگونی را به زائر القاء می‌نماید.



فهرست منابع

۱. بخارایی، صالحه. (۱۳۹۴). «فضامندی: وجوه، حدود و عوامل تأثیرگذار». ***صفه***. (شماره ٦۹)، ۱۸-۵.

۲. بهشتی، سید محمد. (۱۳۸۹). ***مسجد ایرانی، مکان معراج مؤمنین***. تهران: روزنه.

۳. دادفر، پیام؛ و همکاران. (۱۳۹۹). «تبیین تأثیر تجربه فضایی مساجد بر ترمیم روان (مطالعه مورد مسجد گوهرشاد)». ***پژوهشنامه خراسان بزرگ***. (شماره ۱)، ۳۸-۱٦.

۴. دری، علی؛ و غلامرضا طلیسچی. (۱۳۹۷). «کرانمندی و بیکرانی ساختار فضایی معماری اسلامی ایران در مساجد دوران صفوی (نمونه موردی: مسجد شیخ لطف اله و امام اصفهان)». ***پژوهش‌های معماری اسلامی***. (شماره ۱۹)، ۳۸-۱۹.

۵. سلطانی، مهرداد؛ و همکاران. (۱۳۹۱). «تطبیق نقش الگو و مفاهیم مبتنی بر تجربه در فضای معماری». ***باغ نظر***. (شماره ۲۱)، ۱۴-۳.

٦. سوهانگیر، سارا؛ و محمدرضا نصیرسلامی. (۱۳۹۳). «الگوهای خلق فضا در معماری با تکیه‌بر پارادایم‌های نظری پسامدرن». ***باغ نظر***. (شماره ۲۸)، ۷۸-٦۵.

۷. صیاد، امیرحسین؛ و همکاران. (۱۳۹۸). «فضامندی و بدن آگاهی: بازخوانش مفهوم فضا در تجربهٔ معماری نمونهٔ موردی: موزهٔ هنرهای معاصر تهران». ***باغ نظر***. (شماره ۷۵)، ۸۲-۷۱.

۸. ضرغامی، اسماعیل؛ و سید محمد بهروز. (۱۳۹۴). «نقش و مفهوم فضا در بازآفرینی نظریه معماری و علوم اجتماعی». ***مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی***. (شماره ۲)، ۹۹-۸۱.

۹. فرهوشی. بهرام. (۱۳۸۰). «بی‌توجهی به فضا در معماری». ***معمار***. (شماره ۵). ۸۲-۷۱.

۱۰. فغفوری، رباب؛ و حسن بلخاری‌قهی. (۱۳۹۴). «بررسی تطبیقی مضمون کتیبه‌های مسجد گوهرشاد و مبانی اعتقادی شیعه در دوره تیموری و صفوی». ***نگره***. (شماره ۳۵)، ۱۷-۴.

۱۱. فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳). ***انسان‌شناسی شهری***. تهران: نشر نی.

۱۲. گلستانی، سعید. (۱۳۹٦). «جستاری در مفهوم پیوستگی فضا و روند تحولات آن در مساجد ایران». ***هنرهای زیبا***. (شماره ۴)، ۴۴-۲۹.

۱۳. محمدی، علیرضا؛ و ابراهیم فیروزی‌مجنده. (۱۳۹۵). «تحلیل فضایی مسجد در شهر اردبیل در دوره معاصر». ***مطالعات شهری***. (شماره ۱۷)، ٦٦-۵۵.

۱۴. مهدی‌نژاد، جمال‌الدین؛ و همکاران. (۱۳۹۷). «بررسی تطبیقی آسیب‌شناسی معیارهای طراحی مساجد مبتنی بر نحوه سازماندهی فضایی (نمونه موردی: مساجد سنتی معاصر، مدرن)». ***شهر ایرانی اسلامی***. (شماره ۳۱)، ۷۴-٦۳.

۱۵. نوروز برازجانی، ویدا. (۱۳۹۷). ***روش‌شناسی پژوهش کیفی***. تهران: یادآوران.

16. Anderson, S. (2001). ***Seductive Interaction Design: Creating Playful, Fun, and Effective User Experiences***. New Riders: Berkeley, CA.

17. Casey, E. S. (2012). ***Remembering: A Phenomenological Study***. Bloomington: Indiana University Press.

18. Diller, S. (2005). ***Making Meaning: How Successful Businesses Deliver Meaningful Customer Experiences***. New Riders: Berkeley, CA

19. Exner, U; and D. Pressel. (2009). ***Basics Spatial Design***. Berlin: Birkhäuser Press.

20. Merleau-Ponty, M. (2005). ***Phenomenology of Perception***. (C.Smith, Trans.). London: Routledge.

21. Nodder, C. (2013). ***Evil by Design: Interaction Design to Lead Us into Temptation***. John

22. Wiley & Sons, Indianapolis.

23. Norman, D. (1989). ***The psychology of Everyday Things***. New York: Basic.

24. Shedroff, N. (2009). ***Experience Design 1.1: a Manifesto for the Design of Experiences***. New Riders, Indianapolis

25. Tschumi, B. (2012). ***Events:The Turning Point in Architecture Concepts: Red is Not a Color***. New York: Rizzoli.

26. Weinschenk, S. (2011). ***100 Things Every Designer Needs to Know about People***. New Riders: Berkeley, CA.

27. URL 1: https://www.iranhotelonline.com/blog/post-1473

28. URL 2: http://www.hajij.com/fa/islamic-countries-and-sects/holy-places/item/1665-1392-10-07-07-39-47